

نگاهی به مستند «فراموشخانه» خاموشی پر هیاهو

رویا سلیمی

- ◆

فیلم مستند «فراموشخانه» که کارگردانی سپندگمی و نویسندگی و کارگردانی سپند سرحدی و فرهاد قدسی در بخش نمایش ویژه چهاردهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت به نمایش درآمد. این فیلم روایت جستجوی دانشجوی تئاتری است در مورد علت بی‌مهری به پیانوی قدیمی دانشکده موسیقی که مهجورانه در دانشکده تئاتر هنرهای زیبا خاک می‌خورد و مورد بی توجهی دانشجویان قرار گرفته است. آنها از این پیانو به عنوان جالبیسی، چهارپایه، سطل زباله و… استفاده می‌کنند. داستان از این نقطه شروع می‌شود اما بعد از گذشت مدتی مشخص می‌شود که پیانوی قدیمی و کهنه دانشکده، بهانه‌ای است برای نگاهی یکسویه به سرنوشت موسیقی در ایران پس از انقلاب و این پیانو درواقع بدیلی است که نوع مواجهه سیستم با هنر موسیقی از هر وجه و سنخ و جریانی داشته.

این مستند در کنار فکتار متنی که دانشجو در سراسر فیلم ارائه می‌دهد، از تصاویر آرشیوی و بازیگر دیگری به عنوان دانشجوی موسیقی استفاده می‌کند و از این انتخاب نیز بهره لازم را برای تقویت نگاه یکسویه خود به تمامی خواهد برد. ضمن اینکه در طول فیلم اشارات و فکت‌های بسیاری از متفکرین را با روایت خود هم راستا می‌کند و علی‌رغم اینکه قصد دارد نگاه ایدئولوژی زده اوایل انقلاب را نسبیست به برخوردش با موسیقی و ادوات آن به نقد بکشد، اما خود در بیانی ایدئولوژی زده دست به تحریفی جانبدارانه از شرایط امروز و دیروز می‌زند و ساز پیانوی قدیمی دانشکده را مبنایی برای این قرائت مطلوب خود قرار می‌دهد.

برای رسمیت بخشیدن به قرائت خود از روایت افرادی مانند صالح نجفی، عباس کاظمی، نغمه ثمنینی، کارمند بنیاد رودکی و… استفاده کرده و مشخصاً در گفتگو با عباس کاظمی، حرف کلی که قرار است در لافافه و میان نتهای یکی در میان پیانوی قدیمی به مخاطب برساند را به شکل واضحی مطرح می‌کند. اما در انتخاب موضوع خود تا حدی تردید دارد که در میانه روایت از قول مسعود– دانشجوی تئاتر– به توضیح علت انتخاب سوزه خود می‌پردازد و سعی دارد بگوید که پیانوی فراموش شده درواقع، فراموشی انسان‌ها در گیر و دار روزمرگی‌هایی است که ما را از گذشته و حال خود دور کرده و به نوعی دچار از خودبیگانگی ساخته است و این سوزه می‌تواند تلنگری باشد برای نقش فراموش‌شده‌های بسیاری که هر کدام از ما در گنجه قفسه‌های خاک‌خورده زندگی خود آنها را از یاد برده و دهها سراسری از آنها نمی‌گیریم.
همان‌ا ن سرع‌نگرفتن، همان از خودبیگانگی و دور شدن از خویشن خویش به زعم فیلمساز است. زمانیکه شخصیت اصلی در زیرزمین نمور خانه خود، ویولن خاک خورده مادر بزرگ را بیرون می‌کشد یا در جمعه بازار به دنبال صدای تکنواری پرریز یاقتی ساعت‌ها جستجو می‌کند، در واقع به دنبال هویت فراموش شده خود است. البته این فراموش شدن ضمن را محصول نگاه و شرایط ایدئولوژیکی می‌داند که بر ما حاکم شده است. ضمن اینکه وقتی سراغ سازهای قدیمی بنیاد رودکی را از متصدی مربوطه می‌گیرد، او یکی از دلایل را برای از کار افتادن آنها عنوان می‌کند: «جنگ!»
اینکه سازها در مسیر حرکت به جبهه و در میدان نبرد، دچار ضربات و آسیب‌های فراوانی شده و حتی ترکش خورده‌اند و دیگر صدای سازی از آنها شنیدن توقع ناپجایی به نظر می‌رسد. تگرانی برای سازی که در جنگ ناکوک شده، ما را به یاد فیلم مستند دیگری می‌اندازد که چندین سال پیش در تلویزیون بی بی سی فارسی پخش شد. داستان مستند روایت نجات دادن پیانویی در یک ساختمان عمومی مخروبه شده از جنگ بود که در میانه خرابی‌ها مسالم مانده بود و تیم مستندساز قصد داشت این ساز را با رعایت وسواس بسیار و با حداقل رساندن آسیب‌های احتمالی از آن خرابه هولناک به جایی امن و آرام منتقل سازد.
اینکه در دل جنگ و خونریزی، طنین صدای پیانویی قدیمی دل فیلمساز را به لرزه درآورد، اتفاقاً همان ادای شیره‌وشنگرفی است که در «فراموشخانه» فیلمساز قصد دارد از آن تبری جستـه و به صراحت آن را رد کند.

اما انتقادی که از سیستم در برخورد با ساز کهنه دانشکده بر کلیت سرنوشت موسیقی واژ می‌داند، بر دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا نیز وارد است. بدین معنی که اگر سالیان سال به واسطه شرایط خاص حاکم بر جامعه، این بی‌مهری صورت گرفته لیلی زعم کارگردان– در حال حاضر و پس از گذشت چهل سال، دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا هستند که از این پیانو به عنوان سطل زباله استفاده می‌کنند این ابتقاد بر آنها وارد است در مواجهه با سازایی که آن را ارزشمند می‌داند و البته ارزشمند بودن آن را با نشان دادن تصاویری آرشیوی به دوره قبل از انقلاب منسوب می‌کند و آن را در تقابل با شرایط فعلی، تبدیل به یک وضعیت آرمایی کرده که حالا با نگاهی حسرت بار آن را نظاره می‌کند.

در کنار این روایت و بسط دادن موضوع به سرنوشت موسیقی در ایران پس از انقلاب، پرستسو هم تبدیل به وجه دیگر این پارل می‌شود و حسرت دیگری بر آن می‌افزاید.

او که دانشجوی موسیقی است به واسطه عدم امکان خوانندگی در ایران، مهاجرت می‌کند و به نوعی حیات و زندگی موسیقی را به جایی بیرون از مرزهای سرزمین مادری منوط می‌داند. نکته‌ای که با فکت راوی از امبرتو کو معنای عینی پیدا می‌کند.
اینکه کشیشان برای درمان ماندن نسخ خطی از تهاجم، آنها را دفن می‌کردند تا از تهاجم در امان بماند. در اینجا دو راهکار را برای وضعیت فعلی پیش روی ما قرار می‌دهد. یا اینکه شاید بهتر بود بسیاری از سازها همچنان در پستو و در زیرزمین‌های متروکه غبار ایام بر تن نباشند تا اینکه در میدان جنگ، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر شوند. اما راهکار دوم مهاجرت و بردن میراث فرهنگی به بیرون از مرزها برای حفظ و نگهداری آنهاست. همانطور که بسیاری از آثار باستانی و فرهنگی ما در موزه‌های معتبر دنیا نگاه داشته می‌شوند.

اما در نهایت سرنوشت پیانوی کهنه دانشکده، قرار گرفتن در قابی شیشه‌ای در طبقه دوم دانشکده هنرهای زیبا است. دقیقاً در محل عبور و مرور دانشجویان، تنها سرنوشتی است که می‌توان برای آن در نظر گرفت.
حالا پیانو کارکرد اصلی خود را از دست داده و تبدیل به شی بی‌مصرف در قفسی شیشه‌ای می‌شود در میانه راهروی پر رفت و آمد دانشگاه.

خبر

«استان‌های رستم پهلوان» منتشر شد

مجموعه «داستان‌های رستم پهلوان» به گزارش فریدون جنیدی و به پوشش حسن قریبی منتشر شد.

به گزارش ایسنا، این مجموعه در ۱۱ مجلد گرد آمده و انتشارات آرون یا همراهی موسسه فرهنگی آکو آن را در ۵۰۰ نسخه منتشر کرده است.

در معرفی فرهنگستان زبان و ادب فارسی از مجموعه «داستان‌های رستم پهلوان» آمده است: «شاهنامه» فردوسی معروف‌ترین و موثرترین کتاب در حوزه کشورهای ضوا کو به شمار می‌رود. این کتاب نه‌تنها منظور نظر ادبا و فرهیختگان، بلکه از کتاب‌های مورد علاقه تمام اقشار جامعه ایران فرهنگی بوده است و از دیرباز تاکنون برخی از ادیبان شاهنامه‌دوست و استادان فن برای انتقال مفاهیم این اثر به کودکان و نوجوانان و نقل داستان‌های آن برای آن‌ها کوشش‌هایی کرده‌اند و شاهنامه را به نثر برگردانده‌اند و گزیده‌هایی از آن فراهم آورده‌اند. «داستان‌های رستم پهلوان» که در یک مجموعه ۱۱جلدی تدوین شده، یکی از همین کوشش‌هاست. فریدون جنیدی این مجموعه را که مشتمل بر ۱۱ داستان جداگانه رستم در شاهنامه است، برای نوجوانان و جوانان نگاشته است. وی در هر جلد این کتاب یک داستان رستم را همراه با شعرهای فردوسی به نثر درآورده است.

در روزگاری که جهان با شیوع ویروس کرونا دست و پنجه نرم می‌کند و اغلب مراکز فرهنگی و هنری در تعطیلی به سر می‌برند اتفاق خوبی که در هنر تجسمی می‌افتد این است که، گالری آریاناپلاس تازه‌ترین اثر محمدحسین عماد به عنوان «شعاع» را به نمایش گذاشته است. در این نمایشگاه ۱۰ اثر از کارهای حجمی او به همت گالری آریانا پلاس و گالری اثر نمایش داده شد. محمدحسین عماد مجسمه‌ساز معاصر ایرانی است که فارغ از آثار شهری، او را بیشتر به عنوان کسی که با شکل و مضمون سرو کار دارد و با مجموعه‌ای از مفاهیم حجم و سطوح اولیه آشناست؛ می‌شناسند. این روزها گالری‌ها با وجود محدودیت‌های مقابله با کرونا نمایشگاه‌ها را با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار می‌کنند که برگزاری نمایشگاه‌های هنری هم با نداشتن مراسم افتتاحیه و رعایت کلیه پروتکل‌های بهداشتستی اعلام شده است. این نمایشگاه روز یک شنبه شانزدهم آذرماه افتتاح شد و تا دوازدهم دی ماه در گالری آریاناپلاس برپاست.

محمدحسین عماد درباره عنوان مجموعه آثارش به هنرانلای گفت: «پدیده نام‌گذاری را از درون مجسمه و کار کردن با حجم گرفتم. آثار حجمی را در دو نمایشگاه اخیرى که برگزار کردم می‌توان دید اما در این نمایشگاه آثاری که به نمایش گذاشتم بیشتر از حجم استفاده کردم. به آثار چوبی که نگاه می‌کنیم در انتها نقطه نور را می‌بینیم که کنج‌کاو یببنده را برمی‌انگیزد که درون مجسمه چه چیزی می‌تواند باشد. در این آثار تمرکز مسیر نگاه ما روی نقطه نوری که داخل مجسمه پیدا می‌شود بود. به همین دلیل شعاع را نمی‌بینیم و بیشتر در محیط اطراف و جهان، اشیاء یا شیء می‌بینیم. این نام‌گذاری براین خیلی جالب بود که «شعاع» را به صورت حجم دربرایوم که منبع نور ا به شیء وصل می‌کند.»

عماد، از نقاشی به طور طبیعی به سمت مجسمه‌سازی کشیده شد. او در نقاشی عمق و وضوح را به تصویر می‌کشید اما در مجسمه‌سازی حجم و فرم را به نمایش درآورده است. او دلیل سوق پیدا کردن به مجسمه‌سازی را اینگونه بیان کرد: «از نظر دیداری یا حرکت، سطح دو بعد و سنه بعد



اصغر عبداللّهی از درام‌نویسان باسابقه کشور به دلیل ابتلا به سرطان در بیمارستان جم درگذشت.

اصغر عبداللّهی متولد سال ۱۳۳۴ در آبادان بود. او در رشته نمایش‌نامه‌نویسی در دانشکده هنرهای دراماتیک به تحصیل پرداخت و هیچ‌گاه پایان‌نامه‌اش را ارائه نداد و تحصیلاتش را ناتمام رها کرد.

عبداللّهی طی چهار دهه فعالیت حرفه‌ای نزدیک به ۳۰ فیلمنامه سینمایی نوشت و چهار مجموعه داستان و یک رمان بلند او منتشر شده است. این نویسنده همچنین برای فیلمنامه «خانه خلوت» برنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر شد.

«همچیزه برای رباب»، «غریبانه»، «خواهران غریب»، «به خاطر هانیه»، «در کمال خوئسردی»، «چتری برای دو نفر»، «دو نفر و نصفی»، «عینک دودی»، «آبی»، «بندر مه آلود» و… برخی از فیلمنامه‌هایی است که زنده یاد عبداللّهی به نگارش درآورده بود.

«آفتاب در سیاهی جنگ گم می‌شود»، «در پشت آن مه»، «سایبانی از حصیر»، «ای‌های غمناک بان» و «هاملت در نم نسّم باران» آثار ادبی این

پس از فرهاد آئیش

لیکا عبدالرزاقی بازیگر «برف بی‌صدا می‌بارد» شد
پس از فرهاد آئیش، حضور لیکا عبدالرزاقی در سریال «برف بی‌صدا می‌بارد» قطعی شد.

به گزارش ایسنا به نقل از سیمای فیلم، با ادامه تصویربرداری سریال «برف بی‌صدا می‌بارد» به نویسندگی مسعود بهمنی‌نیا، زهرا پارسافر و طیبه شجری، کارگردانی پوریا آذربایجانی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی در لوکشین‌های شهر تهران، لیکا عبدالرزاقی پس از فرهاد آئیش دومین بازیگری است که حضور او در این پروژه تلویزیونی اعلام شد.

«برف بی‌صدا می‌بارد» عنوان سریالی سه فصلی است که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ روایت می‌شود.

فصل اول و دوم این سریال که در دهه ۶۰ و ۷۰ سپری می‌شود، در حال حاضر جلوی دوربین رفته و فصل سوم این سریال که دهه ۹۰ را روایت می‌کند، هم‌اکنون مراحل نگارش را سپری می‌کند.

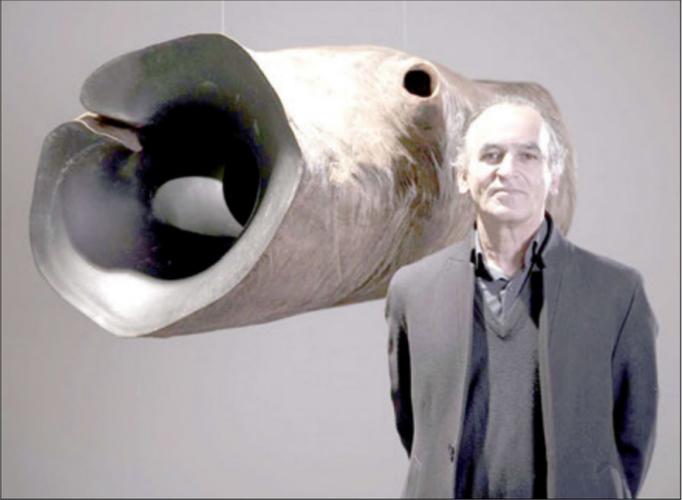
این سریال محصول گروه فیلم و سریال شبکه سه سیماست.

در خلاصه داستان این سریال آمده است: اگر بمانی، غزل غزل ترانه لبخند به پایت می‌ریزم. پرده حسرت از دلت برمی‌کنم. برف بی‌صدا می‌بارد، دردانه من. بمان تا رسم پذیرایی از تقدیر را بچا آوریم.

سایر عوامل «برف بی‌صدا می‌بارد» عبارتند از: کارگردان: پوریا آذربایجانی، مدیر تولید: سامان شعضه، مدیر برنامه‌ریزی و دستیار اول کارگردان: امیر سلیمانی، مدیر تصویربرداری: مجید محمدقلی، مدیر صدابرداری: سامان شهماث، منشی صحنه: هدیه نصیری، طراح لباس: چکامه میرخانجانی، طراح صحنه: بابک پنهانی، طراح گریم: سیدان خالج، مدیر تدارکات: سعید رضوی، تدوین: خشایار موحیدیان، سعید سراج، جلوه‌های ویژه میدانی: ایمان کرمانی، عکاس: مونا سرتوه، مشاور رسانه‌ای: زهرا دمزآبادی، تصویربردار پشت صحنه و ساخت تیزر: محمدحسین آبابی، محمادمین عرب‌سرخی، مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا.

روایت محمدحسین عماد از نمایشگاه «شعاع»

اثر هنری وقتی می‌تواند زندگی کند که کامل نشده باشد



که ما در این آثار جهانی می‌بینیم که او خواسته نشان دهد، گفت: «اثر هنری، اثری است که بعد از ساخته شدن هنوز فعال باشد. این تعریف، فرمول نیست و روش برخورد شخصی است و فرمول عمومی ندارد. اثر وقتی می‌تواند فعال باشد و زندگی کند که کامل نشده باشد یعنی در بیننده شروع به فعالیت کردن می‌کند و بیننده در آن خلایق مشترک می‌شود. اثر هنری همیشه باید سوال‌برانگیز باشد و این جستجویی که در سازنده‌اش هست به بیننده انتقال یابد و این جستجو تداوم داشته باشد.

در آثار قبلی این هنرمند می‌توان دید که رابطه چوب و فلز محور کارهای او قرار گرفته و ماده غالب کارهای او بیشتر چوب است. او تقابل بین دو ماده در آثارش را چالش‌هایی در اجتماع می‌داند که روی کار و آشراش تأثیر می‌گذارد: «تقابل بین دو ماده، سنت و مدرنیته را به همراه دارد. چوب نشانه سنت است و فلز نشانه مدرنیته و این موضوع مربوط به نشانه‌شناسی می‌شود. بعد از این آثار؛ نوع برخوردم با آثار قبلی اینطور نبوده است که بخواهم چوب و فلز را نشانه چیزی قرار دهم.»

این هنرمند مجسمه‌ساز تفاوت این نمایشگاه با نمایشگاه قبلی خود را از نظر موضوعی و فرمی متفاوت می‌داند. او اظهار کرد: «وقتی مجسمه‌ای می‌سازم به من شناخت‌هایی می‌دهد که می‌توانم کارهای بعدی را براساس آنها انجام دهم. شما می‌توانید این تفاوت‌ها را در نمایشگاه «تهی فعال» و «پذیرش» ببینید. در آثار این نمایشگاه ماده‌های جدیدی با چوب ترکیب کردم. در این آثار بیشتر تمرکزم در پارچه و رزین و چوب است که انعکاس آن در داخل یک حجم مشخص است.»

محمدحسین عماد درباره شیوع ویروس کرونا و برگزاری نمایشگاه اظهار کرد: «احتیاج داشتم پرورنده این نمایشگاه

را با مجموعه‌ای که کار کرده بودم ببندم. با شیوع ویروس

کرونا انتظاری همچون نمایشگاه قبلی نداشتم. برای کسانی

که دنبال‌کننده آثار من هستند هر شب آثار نمایشگاه را به

طور جداگانه فیلمبرداری و تصاویر را در صفحه شخصی‌ام در

اینستاگرام منتشر می‌کردم.»

اصغر عبداللّهی درگذشت

وداع با نویسنده «خواهران غریب»

نه خانه و نه پول، حتی زمانی که بیماری‌اش مشخص شد می‌گفت، حالا انقدر هم مسئله مهمی نیست، چند جلسه شیمی درمانی هم می‌کنیم، ببینیم چه می‌شود. اینقدر این آدم راحت با این مسئله برخورد کرده بود.

امینی ادامه داد: یک ماه پیش هم که به او تلفن‌ن زدم و آخرین بار بود که با هم صحبت کردیم، انقدر لحن و صدایش پسر از انرژی بود که در دلم خوشحال شدم این دوران را راحت پشت سر می‌گذارم، چون منتظر بود دوران شیمی درمانی تمام شود و با خودم فکر کردم روحیه‌اش همان روحیه اصغر همیشگی است. امیدوارم او با شرایط دشوار مرگ هم به همان شکل راحت برخورد کرده باشد.

وی افزود: این راحت برخورد کردن در فضای کاری هم وجود داشت. همه می‌دانیم فیلمنامه‌نویس خیلی روی آنچه نوشته حساسیت دارد ولی او وقتی فیلمنامه‌ای را می‌نوشت، می‌گفت من این را نوشتم و دیگر مال خودت! هر کاری دوست داری بکن. البته این برخوردش ناشی از بی‌تفاوتی نبود، چون به هرحال خیالش راحت بود که فیلمنامه‌اش را خراب نمی‌کنیم اما در همان روال راحت برخورد کردن با تمام جنبه‌های زندگی، با این مسئله که برایش مهم بود این چنین راحت برخورد می‌کرد و می‌پذیرفت که فیلمنامه از این مرحله به بعد متعلق به کارگردان است. او چند سال قبل یک فیلم را هم کارگردانی کرد (یک فیلم یک کلاغ) که بابت آن خیلی خوشحال بود و با خنده می‌گفت از این به بعد برای شما نمی‌نویسم. فیلمنامه‌هایم را خودم می‌سازم!

امینی در پایان گفت: از دست دادن اصغر عبداللّهی خیلی سخت است، مخصوصاً اینکه هنوز یک ماه نشده پرویز پورحسینی را که او هم از دوستان نزدیکم بود از دست داده‌ام. هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوم می‌بینم، عزیزری را از دست دادیم و این‌ها مثل آوار بر سرم خراب می‌شود.



آگهی مناقصه عمومی یک مر حل‌های

مزایده عمومی

شهرداری گرمدره در نظر دارد نسبت به اجرای پروژه‌های با مشخصات ذیل از طریق پیمانکاران واجد صلاحیت اقدام نماید:

ردیف	نوع و میزان خدمات یا کالا	میزان برآورد تقریبی (ریال)	تضمین شرکت در مناقصه (مزایده/ریال)	گواهینامه صلاحیت	مدت
۱	مناقصه عمومی یک مرحله، موضوع: تامین نیروی انسانی جهت انجام عملیات کنترل و نظارت برساخت و سازها(برقراری انقباض شهری«شهريان») به تعداد بیستاد (۲۰) نفر	۱۰,۰۰۰,۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰,۰۰۰/۰۰۰	پلیس سنجبری تاجا	۷ ماه
۲	مزایده عمومی کتبی، موضوع: واگذاری (اجاره) یکدستگاه سوله به منظور تامین کالاهای اساسی (خوراکی، میوه و تره بار، پوشاک، لوازم منزل و…)	۲۲/۸۰۰,۰۰۰/۰۰۰	۱/۱۶۰,۰۰۰/۰۰۰	ترجیحا فروشگاه‌های زنجیره‌ای	۳۶ ماه

- مهلت و قبول و محل پیشنهادهات (اسناد مناقصه/مزایده): متقاضیان پیشنهاد می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی (۹۹/۱۰/۸) تا پایان وقت اداری تاریخ **۹۹/۱۰/۱۸** جهت دریافت اسناد مناقصه/مزایده به شهرداری گرمدره به نشانی: کیلومتر ۲۲ جاده مخصوص تهران – کرج مراجعه یا با شماره **۰۲۶-۳۶۱۰۲۰۰۳** تماس حاصل نمایند.

- متقاضیان پیشنهاد می‌بایست، پیشنهاد خود را (پاکت‌های الف.ب و ج) به صورت سربسته، لاک و مهر و مهر شرکت تا پایان وقت اداری مورخ **۹۹/۱۰/۲۵** به دبیرخانه شهرداری گرمدره به نشانی مذکور تحویل نموده و رسید دریافت نمایند.

- متقاضی پیشنهاد می‌بایست، سربده شرکت در مناقصه/مزایده به صورت ضمانتنامه بانکی که حداقل دارای ۶۰ روز اعتبار و قابل تمدید باشد و یا فیش واریزی به حساب جاری شماره **۰۰۳-۹۳۷۶۰۲۵۰۴۳-۴۶۱۵** نام شهرداری گرمدره نزد بانک انصار شعبه گرمدره کد **۴۶۱۵** واریز نمایند.

- برندگان اول و دوم و سوم در مناقصه مزایده هرکس حاضر به انعقاد قرارداد نشوندند و یا استنکاف ورزند سربده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد و پس از عقد قرارداد به ترتیب با نفر اول یا دوم و یا سوم سربده نفرات بعدی مسترد خواهد گردید.

- به استناد بند۵ ماده ۵ آئین نامه مالی شهرداری‌ها، شهرداری در رد یا قبول کلیه پیشنهادهات مختار است.

- تشکیل کمیسیون عالی معاملات شهرداری گرمدره و بازگشایی پاکت‌های پیشنهاد قیمت برای پروژه تامین نیروی انسانی مورخ **۹۹/۱۰/۲۹** راس ساعت ۱۴ و برای پروژه واگذاری(اجاره) یکدستگاه سوله مورخ **۹۹/۱۰/۳۰** راس ساعت ۱۴ می‌باشد.

- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقصه / مزایده درج گردیده است.

- کلیه هزینه‌های آگهی به عهده برندگان مناقصه/ مزایده مذکور می‌باشد.

شهرداری گرمدره

آگهی مزایده عمومی

آگهی مزایده اجاره شماره ۰۳۴۰۰۰۰۰۸۹۱۰۰۰۰۹۹۰۵ شماره مزایده مرجع ۹۹/۳۴

تاریخ بازدید: از تاریخ **۱۳۹۹/۱۰/۹** لغایت **۱۳۹۹/۱۰/۲۱** از ساعت ۸ الی ۱۴

تاریخ آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: **۱۳۹۹/۱۰/۲۱** ساعت ۱۴

زمان بازگشایی: **۱۳۹۹/۱۰/۲۲** ساعت ۹ صبح

زمان اعلام به برنده: **۱۳۹۹/۱۰/۲۳** ساعت ۱۰ صبح مبلغ ودیعه:**۲/۱۰۰,۰۰۰/۰۰۰** ریال

آدرس: کرج کیلومتر ۵ جاده ماهدشت– خیابان شهید همت

– تلفن: **۰۲۶-۳۶۷۰۰۸۸-۳۶۷۰۰۸۸-۰۲۶** ***

http://www.ihcc.ir

شناسه آگهی: ۱۰۶۸۲۴۰

مرکز آموزش عالی امام‌خیمنی (ره)

سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی



معاونت محترم امور اقتصادی و تفریحی مرکز آموزش عالی امام‌خیمنی (ره)

مرکز آموزش عالی امام خیمینی (ره) در نظر دارد اجاره ۴۸/۵ هکتار زمین و باغی را از طریق مزایده عمومی و به جزئیات مندرج در اسناد مزایده بسا بهره‌دهی از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (**www.setadiran.ir**) و یا شماره مزایده **۰۳۴۰۰۰۰۰۴۸۹۱۰۰۰۰۰۹۹۰۵** به صورت الکترونیکی واگذار نماید.

لازم به ذکر است که شرکت در مزایده و ارائه پیشنهاد ایجاد حق برای شرکت کننده و ایجاد تکلیف و یا سلب اختیاری برای مرکز نمی‌کند و مرکز مجاز است در چارچوب ضوابط مقررات مالی مصوب هیات امنا و با عنایت به صرفه و صلاح مرکز هر یک از پیشنهادهات را قبول یا رد نماید.

زمان انتشار در سایت: تاریخ **۱۳۹۹/۱۰/۰۸** ساعت ۱۱

مهلت دریافت اسناد مزایده: از تاریخ **۱۳۹۹/۱۰/۰۹** لغایت

۱۳۹۹/۱۰/۲۱ از ساعت ۸ الی ۱۴